

گروه ژئوپلیتیک و دیپلماسی

# ژئوپلیتیک ترکیه و دیپلماسی با ایران

تحلیل گر:

دکتر عبدالرضا فرجی راد

ویراستار: مهدی حسین پورمطلق

تابستان ۱۴۰۰

<https://chat.whatsapp.com/GmP1dlgEV4a1Xof46zeGUq>

## فهرست

۲	مقدمه:
6	چالش‌های ژئوپلیتیکی ترکیه:
۶	الف) چالش سرزمینی با یونان:
۶	ب) چالش قبرس شمالی:
۶	ج) چالش عضویت در اتحادیه اروپایی:
۷	د) مسأله پ.ک.ک و کردها:
۷	ه) چالش ارامنه:
۸	و) اخوان و بی‌ثباتی روابط با اعراب:
۸	ز) چالش و رقابت در قفقاز:
۹	وضعیت نظامی ترکیه و تأثیرات ژئوپلیتیکی آن:
۱۰	روابط ایران و ترکیه:
۱۱	دیپلماسی و چگونگی رسیدن به یک رابطه پایدار:

## مقدمه:

جایگاه ژئوپلیتیکی ترکیه بی‌نظیر است. تنگه‌های مهمی را در اختیار دارد. غرب، جنوب و شمال آن را دریا دربرگرفته است. ژئوپلیتیک تمدنی آن دارای اهمیت است. امپراطوری رم شرقی و امپراطوری عثمانی یک ثروت عظیم فرهنگی

برایش بجا گذاشته است. موقعیت جغرافیایی این کشور که از یک طرف به اروپا و حوزه تمدنی مدیترانه و حوزه بالکان، از طرفی به جنوب و تمدن بین النهرین و شام، از طرفی به حوزه قفقاز و بالآخره به ایران و تمدن ایرانی و در ادامه با آسیا، تمام این حوزه‌ها بر فرهنگ ترکیه امروز تأثیر گذاشته و متقابلاً ترکیه بر فرهنگ‌های مجاور خود بسیار تأثیر گذار بوده است.

همچنین این موقعیت سبب شده که از نقطه نظر اقلیمی در جریان ابرهای مدیترانه‌ای قرار گیرد که شرایط مطلوبی را برای این سرزمین فراهم کرده است. توپوگرافی و ارتفاعات متعدد سبب شده که برخلاف دیگر کشورهای خاورمیانه از نعمت آب فراوان برخوردار باشد و آب و کشاورزی به تمدن سازی این کشور کمک کرده است.

ترکیه بعد از استقلال، از ظرفیت‌های بالای خود که مورد اشاره رفت برای توسعه کشور استفاده نکرد. شاید بتوان گفت که یکی از دلایل قدرت نظامیان بوده است. تورگوت اوزال نخست وزیر و سپس رئیس جمهور وقت اساس و مبنای یک ترکیه نوین را در قالب یک استراتژی طراحی کرد. این حادثه همزمان بود با جنگ ایران و عراق که وی از ظرفیت‌های دو کشور در حال جنگ و تأمین نیازهای آنها استفاده نمود و بخشی از نیازهای مالی اولیه خود را تأمین نمود. حرکت آقای اوزال همزمان بود با برنامه‌های گسترش اتحادیه اروپا که با فروپاشی شوروی اوج گرفت. ترکیه هم علاقمندی خود را برای عضویت نشان داد. دو مانع پیش رو داشت که بقیه کشورهای درخواست کننده عضویت فقط یک مانع جلوی پایشان وجود داشت. یکی باید مثل بقیه ۳۱ فصل برای عضویت را پر کند. بطور مثال یک فصل مربوط به حقوق بشر بود که اروپا یک استاندارد دارد؛ لغو اعدام، آزادی مطبوعات و بهبود وضعیت زندان‌ها و زندانیان که ترکیه در سال‌های آغازین حزب عدالت و توسعه پیشرفت‌هایی داشت و حتی اعدام را لغو نمود. یا مثلاً یک فصل مربوط به اصلاح زیرساخت‌ها بود و یا فصل دیگری مربوط به محیط زیست و غیره بود. اتفاقاً ترکیه توانست اکثر این فصول را پر کند، یعنی خواسته‌های اتحادیه را بر اساس نظر بازرسان تأمین کند. اما مشکل دیگر ترکیه جمعیت اکثر مسلمان آن کشور بود که بقیه کشورهای متقاضی این مشکل را نداشتند. این فاکتور بین اعضای اتحادیه اختلاف انداخت. کشورهای مثل فرانسه، یونان و هلند مخالف عضویت بودند. آنها معتقد بودند که عضویت ترکیه سبب می‌شود که ترکیب جمعیتی اتحادیه بخطر بیفتد در حالیکه این امر خلاف معیارهای حقوق بشری اروپاییان بود. با سردوانیدن ترکیه توسط اتحادیه و جا افتادن حزب عدالت و توسعه در ترکیه تئوری نوع‌مانی‌گری توسط وزیر خارجه وقت احمد اوغلو در کتابی مطرح شد و به تدریج توجه ترکیه به سمت خاورمیانه زیاد شد. احتمالاً عضویت ترکیه اگر در اتحادیه اروپایی اتفاق می‌افتاد این کشور با توجه به توانایی‌هایش بیشتر در درون اتحادیه مانور می‌داد. تئوری نوع‌مانی‌گری که با حضور بیشتر فرهنگی، سیاسی و بویژه اقتصادی ترکیه در خاورمیانه همراه شد ترکیه را به الگویی برای بیشتر کشورهای منطقه تبدیل نمود. اما بهار عربی و حوادث بعد از آن وضعیت را پیچیده نمود.

واقعاً تا قبل از بهار عربی ترکیه موفقیت‌های خوبی در زمینه رشد و توسعه اقتصادی، رفاه مردم، رواداری، و مسائل اجتماعی و فرهنگی بدست آورده بود. ضمن اینکه این موفقیت‌ها با توجه به گرایش‌های اسلامی رهبران حزب عدالت و توسعه یا آک پارتی موجب تقویت بعضی گروه‌های اسلامی در منطقه بویژه اخوان المسلمین گشت. با شروع بهار عربی در تونس که به فوریت هم نتیجه داد و به سرنگونی بن علی منجر شد اخوانی‌های منطقه از تحرک خوبی برخوردار شدند. تونس خیلی سریع تأثیر خود را روی شمال آفریقا و بویژه مصر و لیبی گذاشت. اخوان در مصر خیلی فعال شد و به ترکیه امید داشتند. در این بحران ترکیه به کمک اخوانی‌ها شتافت و سرنگونی حکومت‌ها در مصر و

لیبی بعد از تونس رخ داد. به قدرت رسیدن اخوان در مصر- کشورهای طرفدار اخوان همچون ترکیه و قطر را به این نتیجه رساند که احزاب اخوانی در حال در نوردیدن منطقه هستند. لذا از سوی ترکیه و قطر تلاش‌های بیشتری صورت گرفت که روندی که در مصر رخ داده در دیگر کشورهای منطقه رخ دهد. موج بهار عربی که به سوریه رسید این تصور پیش آمد که در سوریه هم همچون شمال آفریقا تحول یکسانی رخ خواهد داد. ولی بر خلاف تحولات شمال آفریقا که سیاسی بود، در سوریه فاکتورهای ژئوپلیتیکی نقش بزرگی پیدا کرد. منافع قدرت‌های دیگر هم در میان بود. به همین دلیل این قدرت‌ها در مقابل هم قرار گرفتند و بحران طولانی و نهایتاً به شکست مخالفین و تثبیت حکومت منجر شد. در واقع درگیری‌ها در سوریه مسیر بهار عربی را تغییر داد و ترکیه هم که از مخالفین و اخوان و سپس از بنیادگرایان تندرو و فراری‌های ارتش حمایت می‌کرد بتدریج با بن بست روبرو می‌شد. موج آوارگان و هزینه‌های آنها، کمک‌های تسلیحاتی و هزینه‌های آن و شروع اختلاف با کشورهای منطقه مثل عربستان، امارات و تا حدی ایران و روسیه منجر به کاهش رشد اقتصادی و دو دستگی در حزب و خارج از حزب گردید. لذا دولت آقای اردوغان مجبور بود هم در خارج از مرزها با تنش‌های سیاسی و بعضاً درگیری‌های نظامی دست و پنجه نرم کند بلکه در داخل حزب با رقبا و متحدین قبلی و نیز با احزاب مخالف و کردی که مخالف دخالت در درگیری‌های سوریه بودند درگیر شد که منجر به تصفیه‌هایی گردید. از سوی دیگر این تحولات تقریباً همزمان شد با کودتای بخشی- از نظامیان که هر چند با شکست مواجه شد ولی به تنش‌های داخلی افزود. این تحولات منفی و مخالفت‌های بیرونی که با تنش روابط ترکیه و اروپا هم همراه شد بر رشد اقتصادی، سرمایه‌گذاری خارجی و کاهش تدریجی ارزش لیر ترکیه منجر شد. همین امر بر رواداری در ترکیه هم اثر گذاشت.

تصور میکنم آقای اردوغان کد ژئوپلیتیکی جهانی برای ترکیه ترسیم کرده است. اخیراً هم در سخنرانی با اعضای کمیته‌های حزبی بیان داشت که ترکیه به قدرتی سیاسی و اقتصادی در جهان تبدیل خواهد شد. لذا با انتخاب چنین کدی که بطور جدی خواهد جزو ده قدرت اقتصادی جهان در آینده نه چندان دور درآید طبیعی است که در تحولات سیاسی و اقتصادی منطقه تحرک داشته باشد. البته قبول دارم که سرعت این تحرک بالاست و باید ملاحظات اقتصادی فعلی را هم داشته باشد. اما نکته مهم این است که مرتب ظرفیت‌سازی می‌کند. از انتقال خطوط لوله‌های انرژی جدید تا بدنبال کشف و استخراج منابع جدید انرژی در مدیترانه و در حوزه آب‌های یونان و لیبی تا اخیراً دست باز در اقتصاد نفتی آذربایجان همه دلالت بر این دارد که در کنار تحرکات سیاسی که هزینه‌بر هم هست تحرکات اقتصادی هم دارد که در استراتژی ژئوپلیتیکی خود آینده میان مدت و دراز مدت را هم مد نظر دارد. در اینکه آیا ترکیه اقداماتی را که انجام می‌دهد فراتر از ظرفیت‌های این کشور هست را باید با تأمل بیشتری مورد بررسی قرار داد.

بهار عربی که بتدریج به ضرر ترکیه تمام شد اقتصاد آن کشور را از شکوفایی و رونق سابق دور کرد؛ به چند دلیل:

- ✓ از دست رفتن بازارهای مهمی همچون مصر، لیبی و تا حدی سوریه.
- ✓ افزایش اختلافات سیاسی با عربستان و امارات و کاهش معاملات. هر چند که نزدیکی به قطر و دریافت کمک‌ها و سرمایه‌هایی از این کشور بخشی از خسارت‌ها را جبران کرد.
- ✓ کاهش معاملات با ایران بخاطر تحریم‌های ترامپ.
- ✓ هزینه‌های بر دوش دولت بخاطر آوارگان سوری.
- ✓ پدیدار شدن مشکلاتی با اروپا و امریکا و اعمال بعضی تحریم‌ها

- ✓ درگیر شدن نیروهای نظامی در شمال سوریه و لیبی و افزایش هزینه‌ها.
- ✓ گسترش کرونا و تحمل شدید خسارت کاهش ورود گردشگر به کشور.

این عوامل باعث شد که ذخیره ارزی ترکیه کاهش یابد و کشور با کاهش ارزش پول ملی مواجه گردد. دو تفکر در ترکیه برای مقابله با این چالش بوجود آمد. یک تفکر بر کنترل منابع ارزی تأکید می‌کرد که سختگیری‌هایی را دنبال می‌نمود. یکدسته هم که بنظر میرسد رئیس جمهور اردوغان هم جزو دسته دوم است کاهش پول ملی را به‌عنوان فرصتی جهت صادرات هرچه بیشتر، جذب سرمایه خارجی و ورود گردشگران زیادت‌تر تلقی می‌کردند و در راستای همین سیاست حتی یکی از بستگان نزدیک خود را از ریاست بانک مرکزی کنار گذاشت.

با توجه به مطالب فوق حالا این سوال پیش می‌آید آیا روند چالش اقتصادی در ترکیه ادامه خواهد یافت یا ترکیه وارد فاز جدیدی از بهبود وضعیت اقتصادی قرار خواهد گرفت. تصور اینجانب بر این است ترکیه از پیک چالش اقتصادی در حال عبور است و عوامل مهم زیر را می‌توان به‌عنوان دلایلی برشمرد:

✓ ترکیه حدود ۲ سال دیگر وارد مبارزات انتخاباتی ریاست جمهوری خواهد شد. با توجه به کاهش میزان طرفداران آک پارتی و وجود رقبای سرسختی در مقابل آقای اردوغان حتی همچون آقای داوود اوغلو از اعضای سابق حزب که اخیراً حزب جدیدی را به ثبت رسانیده و نیز کاندیداهایی از سوی احزاب غیر مذهبی، شرایط اقتصادی کشور باید رو به بهبود رود و در غیر اینصورت رقبا می‌توانند از این وضعیت به نفع خود در انتخابات استفاده نمایند. لذا قاعدتاً از این به بعد باید شاهد کاهش تنش‌های سیاسی و افزایش همکاری‌های اقتصادی باشیم.

✓ بهبود روابط با مصر که رهبران دو کشور بر آن تأکید نموده و قطعاً فعالیت‌های اقتصادی و تجاری ترکیه در مصر- افزایش می‌یابد و مبادلات دو کشور رونق می‌گیرد. ضمناً با عربستان نیز روابط رو به بهبودی است و تحریم‌های کالاهای ترکی برداشته خواهد شد.

✓ پایان جنگ در لیبی فرصت‌های زیادی در اختیار ترکیه برای بازسازی آن کشور و افزایش صادرات خواهد گذاشت که با افزایش قیمت نفت به بالای ۷۵ دلار این امر را تسهیل خواهد نمود.

✓ برداشتن تحریم‌های ایران که احتمال آن بالاست و نیز افزایش قیمت نفت باعث خواهد شد که مبادلات با ایران و عراق بخاطر افزایش درآمد‌های نفتی زیادت‌تر گردد.

✓ ترکیه با واردات ۲۲۰ میلیون دز واکسن فایزر و سینواک چین به سرعت جمعیت زیادی از کشور را واکسن زده بطوریکه هم اکنون نوبت به جوان‌ها رسیده. لذا بطور قطع از تابستان جاری صنعت توریسم آن کشور رونق خواهد گرفت بویژه آنکه بخاطر کاهش ارزش لیر، ورود به ترکیه برای گردشگران خارجی با صرفه خواهد بود.

✓ بنظر می‌رسد با دیدار آقای اردوغان و بایدن روابط دو کشور آرامش بیشتری را تجربه می‌کند و رهبران ترکیه و اروپا نیز از تهدیدها علیه یکدیگر کاسته‌اند.

✓ کانال در حال ساخت استانبول که ایجاد آن آغاز شده هم می‌تواند درآمد سرشاری از کشتیرانی را نصیب ترکیه نماید و هم بر وزن ژئوپلیتیکی ترکیه بیفزاید.

### چالش‌های ژئوپلیتیکی ترکیه:

ترکیه هم همچون دیگر کشورهای دارای جایگاه و وزن ژئوپلیتیکی بالا با چالش‌های ژئوپلیتیکی نیز مواجه است که در صورت عدم مدیریت این چالش‌ها می‌تواند با بحران‌های ژئوپلیتیکی مواجه شود. البته بعضی- از این چالش‌ها کهنه و بعضی- دیگر در سال‌های اخیر بوجود آمده که بعضاً موقتی و منافع ترکیه را می‌تواند تأمین کند. ذیلاً به چالش‌های ژئوپلیتیکی آن کشور اشاره می‌شود:

### الف) چالش سرزمینی با یونان

بعد از شکست امپراطوری عثمانی در جنگ جهانی اول حدود سه هزار جزیره واقع بین آب‌های یونان و ترکیه عمدتاً در حاکمیت یونان قرار گرفت. لذا مسأله آب‌های سرزمینی و چگونگی استفاده از منابع دریا اختلافاتی بین دو کشور بروز می‌کند که آخرین آن بحران استخراج منابع گازی بود که کشورهای اروپایی از یونان به عنوان عضوی از اتحادیه حمایت کردند.

### ب) چالش قبرس شمالی

بعد از خروج بریتانیا از قبرس، سرزمینی که اکثریت یونانی زبان و اقلیتی ترک زبان در آن زندگی می‌کردند اختلافاتی بین این دو گروه بروز کرد که اقلیت ترک زبان از ترکیه تقاضای کمک نمود. نظامیان ترکیه قسمت شمالی قبرس را که ترک زبان‌ها در آن زندگی می‌کردند به تصرف درآمد و با برگزاری انتخابات رئیس‌جمهور ترک زبان جدا از قسمت جنوبی انتخاب شد و بین شمال و جنوب قبرس دیوار کشیده شد. هرچند در سال‌های اخیر این دیوار برداشته شده ولی در

قبرس دو رئیس‌جمهور متفاوت حکمرانی بر شمال و جنوب دارند. اتحادیه اروپا و سازمان ملل متحد این اقدام ترکیه را محکوم نمود و خواهان خروج نیروهای نظامی ترکیه و انجام انتخابات آزاد شد. این مسأله خود یکی از موانع عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا بوده و کشورهای اروپایی به هیچ وجهی حاضر به رسمیت شناختن قبرش شمالی به عنوان کشوری مستقل که فقط از سوی ترکیه به رسمیت شناخته شده نیستند.

### ج) چالش عضویت در اتحادیه اروپایی

با تصمیم اروپاییان مبنی بر تبدیل بازار مشترک اروپایی به اتحادیه اروپایی که تقریباً همزمان شد با استراتژی توسعه‌ای ترکیه، این کشور به عنوان عضوی از غرب و ناتو تحرکاتی را بطور جدی آغاز نمود که به عنوان یکی از کشورهای عضو پذیرفته شود. رشد و توسعه اقتصادی و آمادگی برای تطبیق خود با فصول عضویت در اتحادیه، این امیدواری را در ترکیه بوجود آورد که در نهایت این کشور به عنوان یک عضو پذیرفته می‌شود. بویژه از زمان فروپاشی شوروی و آزاد شدن کشورهای اروپای شرقی و تلاش برای عضویت ترکیه نیز بر تلاش‌های خود افزود. بسیاری از فصول عضویت را تأمین نمود ولی شکاف در میان کشورهای اروپایی بر سر عضویت ترکیه و از طرفی پذیرفتن کشورهای همچون بلغارستان و رومانی که از هر جهت پایین‌تر از ترکیه بودند اختلافات ترکیه با اتحادیه را سبب گردید. بنظر می‌رسید که حتی ترکیه حتی حل‌وفصل مسأله قبرس را به عنوان موضوع آخر و در صورت کسب اطمینان از عضویت قبل از معامله نهایی می‌دانست. اما روند حوادث و تعلل اروپایی‌ها و گرایش ترکیه به سوی خاورمیانه منجر به افزایش اختلافات گردید. حوادث خاورمیانه و بهار عربی، کودتا در این کشور، مسأله خبرنگاران، شدت گرفتن موضوع درگیری با اکراد و طرح مسائل حقوق بشری از سوی اروپا، نزدیکی به روسیه، جنگ قفقاز و.. ترکیه از آن فصولی که تأمین نموده بود عقب انداخت و یا به عبارتی عقب‌گرد داشت. لذا بنظر نمی‌رسد به رغم مذاکراتی که هنوز صورت می‌پذیرد آینده امیدوارکننده‌ای در مورد عضویت وجود داشته باشد هر چند که به عنوان چالشی- در روابط سایه می‌افکند.

### د) مسأله پ.ک.ک و کردها:

کردهای ترکیه نزدیک به یک چهارم جمعیت ترکیه را تشکیل می‌دهند. شاید بتوان گفت که از زمان تشکیل ترکیه نوین توسط آتاتورک بتدریج با حکومت مرکزی دچار مشکل شدند تا اینکه اوج اختلافات منجر به شکل‌گیری حزب پ.ک.ک شده که مبارزه مسلحانه با نیروهای نظامی ترک را در پیش گرفت. در سال‌های ابتدایی حاکمیت حزب عدالت و توسعه که البته این حزب توانست با رای کردها به قدرت برسد روابط خوبی بین حاکمیت و احزاب کردی برقرار گردید و آزادی‌هایی برای مشارکت در انتخابات و حضور در پارلمان به آنها داده شد. ولی بتدریج روابط تیره و مجدداً فعالیت آنها محدود و رهبری آنها در حبس قرار گرفت. ضمن اینکه رهبر کاریزمای آنها سالهاست که در جزیره‌ای در زندان بسر میبرد و دیگر مبارزه مسلحانه را نفی می‌کند. بحران سوریه و حضور پ.ک.ک در کنار کردهای سوریه، شمال سوریه را به عنوان پناهگاهی برای پ.ک.ک در آورد که موجب حساسیت دولت در آنکارا گردید. یکی از دلایل حضور نیروهای ترکیه در شمال سوریه مبارزه با تروریست‌ها و مقابله با آنها مطرح می‌شود که منظور همان پ.ک.ک است. می‌توان گفت که تنش و درگیری با کردهای مسلح بزرگترین چالش دولت‌های ترکیه به حساب می‌آید.

در همین رابطه علاوه بر درگیری در شمال سوریه بعضاً ترکیه حملاتی را به شمال عراق برای سرکوب پ.ک.ک که گفته می‌شود در نقاطی از کردستان عراق حضور دارند انجام می‌دهد که با محکومیت دولت عراق و اقلیم کردستان مواجه می‌شوند.

#### ه) چالش ارامنه:

ارمنستان و ارامنه معتقدند در پایان جنگ جهانی اول که امپراطوری عثمانی سرزمین‌های خود را از دست می‌داد و ترکیه امروز شکل می‌گرفت حدود ۱/۵ میلیون ارمنی توسط ترک‌های جوان که در آن زمان حاکمیت را در اختیار داشتند کشته شدند. ارامنه در هر فرصتی از جهانیان و بویژه کشورهای مسیحی می‌خواهند که ترکیه را محکوم و آنها را پاسخگو نمایند. ترکیه این ادعای ارامنه را رد می‌کند و تعداد کشته شدگان را خیلی کمتر ارزیابی می‌نماید. تاکنون تعدادی از پارلمان‌های غربی به خواسته ارامنه پاسخ مثبت داده و ضمن محکوم کردن این کشتار دولت ترکیه را تحت فشار قرار داده‌اند. همین مسأله منجر به سردی روابط ترکیه با این کشورها می‌شود. ترکیه اگر کشتار ارامنه را بپذیرد باید به بازماندگان آنها خسارت پرداخت نماید. مسأله کشتار ارامنه همچون مسأله کردی به یکی از چالش‌های ژئوپلیتیکی ترکیه درآمده و به نظر می‌رسد ادامه‌دار باشد.

#### و) اخوان و پی‌ثباتی روابط با اعراب:

با روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه بتدریج معلوم شد که اعضای بلند پایه حزب گرایش اخوانی دارند. این مسأله منجر به نگاه تردیدآمیز کشورهای مهم عربی همچون مصر، عربستان و امارات به ترکیه گردید که البته روابط سیاسی و اقتصادی توسعه یافت. با آغاز بهار عربی و حمایت علنی ترکیه از اخوانی‌های منطقه و بویژه زمانی که آنها در مصر به قدرت رسیدند عرب‌ها نیز در مقابل سیاست‌های ترکیه موضع گرفتند. هزینه‌های زیادی را متقبل شدند که دولت‌های اخوانی تونس و مصر را ساقط کنند و موفق هم شدند. در لیبی رقابت تنگاتنگی بین ترکیه از یکطرف که از حکومت با گرایش اخوانی در طرابلس حمایت می‌کرد و امارات، مصر و سعودی که از ژنرال خلیفه عفر برای تصرف طرابلس حمایت مالی و نظامی می‌کردند در گرفت که به رغم کوشش‌های سازمان ملل و خاموش شدن جنگ ولی صلح نهایی ایجاد نشده است. بنظر می‌رسد در لیبی ترکیه دست بالا را داراست. حکومت‌های مهم عربی اخوان را گروهی اسلامی می‌دانند که بخاطر قدمت و نفوذ در میان مردمان جهان عرب می‌تواند آلترناتیوی برای حکومت‌های آنها باشد.

#### ز) چالش و رقابت در قفقاز:

درگیری‌های آذربایجان و ارمنستان و اختلافات ارمنستان با ترکیه سبب شد که ترکیه هر چه بیشتر به آذربایجان نزدیکتر شود. این نزدیکی منجر به این شد که در جنگ اخیر آذربایجان با کمک نظامی و فرماندهی ترکیه در جنگ پیروز شده و بخش اعظمی از سرزمین‌های خود را پس بگیرد. این اتفاق فضای مناسبی را در اختیار ترکیه قرار داد که از هر نظر در آذربایجان حضور قوی پیدا کند و از امتیازات این کشور ثروتمند نفتی بهره گیرد. روز بروز همکاری‌های نظامی گسترش می‌یابد بطوریکه حساسیت روسیه را برانگیخته است. اخیراً اعلام شد که ترکیه در صدد ایجاد پایگاه نظامی در آذربایجان است که روسیه اعلام کرد به هیچ وجهی اجازه ایجاد آنرا نخواهد داد. علت آن این است که

ترکیه عضوی از ناتو بحساب می‌آید و روسیه اجازه نمی‌دهد که ناتو در داخل خاک جمهوری‌های سابق شوروی پایگاه داشته باشند. به همین دلیل هم نزدیک شدن گرجستان و اوکراین به ناتو منجر به درگیری و جدا شدن بخش‌هایی از خاکشان شد. بنابراین توافق آذربایجان با ترکیه و نزدیکی بین این دو کشور می‌تواند در آینده به چالشی-ژئوپلیتیکی در منطقه تبدیل شود. این چالش احتمال دارد که بر درگیری آتی ارمنستان و آذربایجان تأثیرگذار باشد.

### وضعیت نظامی ترکیه و تأثیرات ژئوپلیتیکی آن:

روابط نزدیک ترکیه به غرب و بویژه عضویت این کشور در ناتو سبب شده است که ترکیه از نقطه نظر نظامی پیشرفت‌های خوبی داشته باشد که البته گرفتن کمک‌های غربی و باز بودن دست ترکیه در دریافت سلاح‌های پیشرفته و تکنولوژی‌های نظامی برای تولیدات داخلی در موفقیت ترکیه نقش قابل توجهی داشته است. علاوه بر آن حضور نیروهای ناتو در پایگاه اینجریلیک ترکیه خود به همکاری‌های نزدیک ترکیه با دیگر اعضای ناتو و تقویت اعتماد به نفس ترکیه کمک می‌کند.

تا قبل از بهار عربی معمولاً تحرکات نظامی بیرونی ترکیه با ناتو هماهنگ و اگر مواردی هم دیده می‌شد محدود بود. بطور مثال ورود نیروهای ترکیه به قبرس شمالی که پس از چند دهه این حضور هنوز ادامه دارد و یا تهاجم نیروهای ترک به شمال عراق چه در زمان حکام بعثی و چه بعد از آن که از سوی دولت ترکیه دلیل آنرا مقابله و از بین بردن پایگاه‌های گروه‌های تروریستی همچون پ.ک.ک اعلام می‌شد. با تغییر استراتژی ژئوپلیتیکی ترکیه مبنی برای رشد و توسعه سریع و قرار گرفتن در بین ده قدرت اقتصادی جهان این تصور وجود دارد که دولتمردان ترکیه این برداشت را دارند که می‌توانند به عنوان یک قدرت فرا منطقه‌ای هم مطرح گردند. یا به عبارتی منطقه مورد تعریف ترکیه منطقه‌ای وسیع‌تر از آن چیزی است که ما در تصور داریم. حوزه‌هایی همچون دریای سیاه، مدیترانه شرقی، قفقاز و آسیای مرکزی، خاورمیانه و شمال آفریقا و بالکان. شاید بتوان گفت که دولتمردان ترکیه بیشتر خواهان حضور در حوزه‌هایی هستند که امپراطوری عثمانی عمده‌تاً در دوران شکوفایی خود در اختیار داشته است. در همین راستا در جاهایی که لازم بوده دولت نیروهای نظامی خود را هم برای تثبیت این حضور و منافع ترکیه بکار برده است. از آن جمله می‌توان به حضور نیروهای ترکیه در لیبی به جهت حفظ منافع اقتصادی و قراردادهای مربوط به انرژی اشاره نمود. حضور در شمال و شمال غرب سوریه جهت حفظ منافع اقتصادی، امنیت سرزمینی و ژئوپلیتیکی تمدنی خود دقت نمود. اعزام نیرو به قبرس برای ایجاد تعادل در برتری آب‌های سرزمینی که یونان در اختیار دارد و گسترش حوزه نفوذ خود در مدیترانه. حضور گاه‌به‌گاه نظامی در شمال عراق که همه ساله اتفاق می‌افتد برای پاکسازی مخالفین داخلی، امنیت سرزمینی و منافع اقتصادی که روشی هشدارگونه برای حاکمیت کردی در شمال عراق به حساب می‌آید. حضور نظامی در قطر در راستای گسترش نفوذ ترکیه در حوزه‌ای از انبار انرژی، منافع اقتصادی و عدم شکل‌گیری اتحاد عربی علیه خود، حضور در قفقاز و حمایت از آذربایجان جهت مقابله با سیاست‌های مخالف ارمنستان، توجه به حوزه انرژی منطقه، منفعت اقتصادی و نفوذ فرهنگی و نزدیک شدن بیشتر به حوزه هم‌زبانی آسیای مرکزی و بالاخره حضور در افغانستان برای گسترش نفوذ در منطقه، نزدیک شدن به آسیای مرکزی و چین.

نکته قابل توجه اینکه تحرکات نظامی ترکیه در این حوزه‌ها اکثراً در راستای هماهنگی با سیاست‌های ناتو نبوده است و تصمیم خاص حاکمیت در ترکیه در راستای تثبیت قدرت منطقه‌ای خود است. حتی بعضی- از این اقدامات همچون حضور نظامی در قبرس، در قفقاز، در لیبی، بدون هماهنگی با سیاست‌های ناتو و اروپا بوده و بعضاً مورد اعتراض این نهادها هم واقع شده است. حتی در مورد افغانستان در حالیکه تمام نیروهای ناتو بطور متحد از

افغانستان خارج شده‌اند ولی ترکیه به حضور خود در فرودگاه کابل ادامه خواهد داد هر چند که ممکن است ناتو اعتراضی هم به این ناهماهنگی نداشته باشد.

نکته آخر اینکه هر چند ممکن است حضور نظامی ترکیه در مناطقی هزینه‌هایی نظامی را بر آن کشور تحمیل کند ولی می‌توان گفت که در میان مدت و دراز مدت فواید اقتصادی نصیب ترکیه خواهد نمود و تاکنون نیز نیروهای نظامی آن کشور بجز چند ریسک کوتاه با نیروهای روس با خطر درگیری و مقابله جدی مواجه نبوده‌اند.

### روابط ایران و ترکیه:

شاید بتوان ایران و ترکیه را در سه مقطع مورد اشاره قرار داد. یک مقطع مربوط می‌شود به دوران پهلوی یعنی از زمان شکل‌گیری ترکیه جدید و سفر رضاشاه به آن کشور که فصل جدیدی در روابط دو کشور آغاز شد. روابط دو کشور سیر خوبی را طی می‌کرد و تا آخر این دوره همین روند طی شد. در دوره پهلوی دوم بهبود روابط از سرعت بیشتری برخوردار گردید و ایران و ترکیه از جهات مختلف فرهنگی، سیاسی و اقتصادی با هم همکاری می‌کردند. بویژه آنکه دو کشور در یک بلوک سیاسی قرار داشتند و نزدیکی جغرافیایی اتحاد جماهیر شوروی به دو کشور این همکاری را ضروری می‌ساخت. ایران و ترکیه تا جایی پیش رفتند که به ایجاد پیمان‌های منطقه‌ای همچون سنتو را با همکاری انگلیس و پاکستان در مقابل نفوذ کمونیسم و شوروی ایجاد کردند و ترکیه و ایران نقش محوری در آن داشتند. بعد از انقلاب اسلامی و در سال ۱۳۵۸ ایران از پیمان خارج شد و در نتیجه پیمان فرو پاشید.

در بعد از انقلاب روابط را می‌توان در دو مقطع بررسی کرد: یکی تا قبل از روی کار آمدن اسلام‌گرایان که در ترکیه احزاب چپ و راست و افرادی همچون سلیمان دمیرل و بلند اجویت بیشتر اوقات قدرت را در دست می‌گرفتند ولی روابط با سوءظن همراه بود بویژه آنکه نظامیان در ترکیه بر امور تسلط داشتند و مقطعی نیز کاملاً حاکمیت را در اختیار گرفتند که می‌توان اشاره کرد که روابط دو کشور دوران خوبی را طی نمی‌کرد. بطور کلی جو نامطلوبی در دوران حاکمیت چپ و راست و نظامیان بر روابط حاکم بود و مطبوعات جو مسمومی را راه انداخته بودند. با روی کار آمدن تورگوت اوزال که بیشتر تفکر اقتصادی داشت روابط دو کشور بهتر شد ولی نظامیان با ظن و گمان به این روابط نگاه می‌کردند.

با روی کار آمدن آقای اربکان که پدرخوانده مسئولین آک پارتی امروز تلقی می‌شد روابط دو کشور بسیار نزدیک شد و وی گروه ۸ را تشکیل داد. نظامیان که وی را برکنار کردند مدتی از گرمی روابط کاسته شد تا اینکه با فشار غرب از قدرت کنار رفتند و انتخابات آزاد برگزار شد و حزب اعتدال و توسعه بر سر کار آمد. از این به بعد ریشه‌های یک روابط خوب بین دو کشور شکل گرفت هر چند که در مقاطعی تضاد منافع بویژه در مسایل منطقه‌ای کوتاه مدتی تأثیرات منفی بر روابط گذاشت. دو کشور در مقابله با گروه‌های در حال جنگ کردی همچون پ.ک.ک و پژاک خیلی بهتر از قبل همکاری نمودند و همکاری‌های اقتصادی خوبی را برقرار کردند. لغو روادید بین دو کشور باعث گسترش گردشگری شد و همکاری‌های توریستی گسترش یافت. در دوران تحریم ترکیه همکاری‌های خوبی با ایران داشت. هر چند که این همکاری‌ها منافع بسیار خوبی را برای شرکت‌های ترک به ارمغان آورد.

می‌توان گفت که از بعد از آغاز بهار عربی و توجه بیشتر ترکیه به خاورمیانه دو کشور در مسیر رقابت‌هایی قرار گرفتند که بیشتر می‌توان به تحولات سوریه، عراق و قفقاز اشاره نمود که شاید از میان مسأله درگیری در سوریه که ایران در یک طرف و ترکیه در طرف دیگر قرار داشت اشاره نمود، الحق با توجه به حساسیت موضوع دو طرف بخوبی این جدال را مدیریت کردند بطوریکه در اوج درگیری‌ها در سوریه که در ترکیه کودتایی رخ داد ایران از اولین کشورهای بود که با کودتاچیان مخالفت نمود.

هرچند که در سال‌های اخیر به علت تحریم‌های سنگین امریکا از حجم مبادلات دو کشور به طرز قابل توجهی کاسته شده ولی انتظار می‌رود با توافق در وین مجدداً دو کشور به سطح قبلی مبادلات برسند.

### دیپلماسی و چگونگی رسیدن به یک رابطه پایدار:

همانطوریکه مورد اشاره قرار گرفت دو کشور در یکی دو دهه اخیر علی‌رغم برخی مشکلات از روابط خوبی برخوردارند. در زمینه‌های فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و امنیتی کارکرد روابط مثبت است. هر دو کشور یاد گرفته‌اند که مسائل منفی موردی را هم مدیریت کنند که تأثیر جدی بر روابط نگذارد. اگر تحریم‌های چند سال اخیر بر ایران تحمیل نشده بود روابط عمیق‌تر می‌شد. اما با توجه به نکات فوق‌الذکر آیا دو کشور باید به همین حد از روابط قانع باشند؟ قطعاً نه.

ایران و ترکیه دو قدرت منطقه‌ای هستند که ظرفیت‌های بالایی دارند. جمعیتی بالا در معیار منطقه‌ای که نیروی انسانی متخصص زیادی دارند که علاوه بر آنکه می‌توانند در درجه اول به کشورشان خدمت کنند برای کشور همسایه خود هم مفید باشند. در کمتر کشوری در خاورمیانه چنین ظرفیتی از نیروی انسانی دیده می‌شود. علاوه بر آن امکانات صنعتی دو کشور بستری است برای کمک به یکدیگر. به نحوی می‌توان گفت که اقتصاد دو کشور هم می‌توانند مکمل یکدیگر باشند و هم این ظرفیت را دارند که کارهای مشترک فراوانی انجام دهند که متأسفانه تاکنون از این ظرفیت استفاده قابل توجهی نشده است.

برای اینکه دو کشور بتوانند از ظرفیت‌ها خود استفاده حداکثری بنمایند در دو قالب باید پروژه‌هایی را به اجرا در بیاورند. پروژه اول همچون پروژه توافق ۲۵ ساله ایران و چین و نیز پروژه‌ای که اخیراً در رابطه با روسیه مطرح شده می‌توان در رابطه با همکاری‌های اقتصادی، تجاری، سرمایه‌گذاری‌های مستقیم، سرمایه‌گذاری‌های مشترک، انرژی، توسعه گردشگری، کشاورزی، آب، معامله با ارزهای ملی و حتی همکاری‌های نظامی و تولیدات مشترک با ترکیه هم به اجرا درآورد.

پروژه دیگر مربوط می‌شود به همکاری در قالب یک همگرایی منطقه‌ای که ایران و ترکیه همچون سنتو باید پیشقدم شوند و کشورهای همسوی در منطقه را در برگیرد که در بحث خزر اشاره‌ای به آن داشتیم و هدف از شکل‌گیری آن این است که کشورهای منطقه بتوانند علاوه بر همکاری‌های نزدیک از رقابت‌های منطقه‌ای نیز بکاهند و کشورهای منطقه با نزدیکی با یکدیگر بتوانند بر مشکلات فائق آیند و دخالت بیگانگان را به حداقل برسانند و ثبات در کشورهای منطقه ایجاد گردد.

امیدوارم در فرصت مناسب با همکاری دوستان گروه بتوانیم طرح هایی در رابطه با دو قالبی که مطرح کردم در جزئیات ارائه دهیم.